

## یلدا؛ شب نشینی خانوادگی تاریخی

جشن و سرورها همه‌گاه تاریخ در ایران جایگاهی ویژه داشتند. جشن شب یلدا از جمله این آیین‌هاست که همچنان و به رغم گذشت قرن‌ها باقی مانده است.



همشهری آنلاین - سید محمد رضا فهمیزی: جشن و سرورها همه‌گاه تاریخ در ایران جایگاهی ویژه داشتند. جشن شب یلدا از جمله این آیین‌هاست که همچنان و به رغم گذشت قرن‌ها باقی مانده است.

صحبت حکام ظلمت شب یلداست

نور ز خورشید خواه بو که برآید

ایرانیان باستان بر پایه آموزه‌های اشو زرتشت پیامبر بزرگ باستانی خود، اهمیت و ارزش زیادی برای شادی قائل بودند. در نوشته‌های پهلوی آمده است: "او(خداوند) به یاری آسمان، شادی را آفرید."

بنابراین جشن‌ها و عیدها همواره جزئی از آداب و آیین‌های آنها بوده و برعکس سوگ و ماتم جایگاهی در این سرزمین نداشته است. بر این اساس، ایرانیان جشن‌های گوناگونی در طول سال داشته‌اند از جمله در گاه‌شماری ایرانیان هر روز نامی ویژه داشت و در هر ماه روزی را که همانام همان ماه می‌شد، جشن می‌گرفتند؛ مثل: تیرگان، امردادگان، مهرگان، آبانگان و... علاوه بر اینها برخی جشن‌های مهم دیگر نیز عبارت بودند از: نوروز، سده، گاهنبارها و... اما یکی از مهم‌ترین این جشن‌ها، یلدا بوده است.

در برهان قاطع ذیل واژه #171یلدا؛چنین آمده است: "یلداشب اول زمستان و شب آخر پاییزاست که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شبهاست در تمام سال و درآنش و یانزدیک به آنشب، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و گویند آنشب به غایت شوم و نامبارک می‌باشد و بعضی گفته‌اند شب یلدا یازدهم جدی است." بر اساس اساطیر ایرانی، مهر در این شب‌زاده می‌شود. درباره چگونگی تولد او روایات گوناگونی وجود دارد، اما مطابق یکی از آنها نطفه منجی در دل دریاچه‌ای مقدس به نام "کانستویه" (که معتقدند همان دریاچه هامون است) نگهداری می‌شود و هر ۱۰۰۰ سال یکبار دوشیزه‌ای در دل این دریاچه شنا می‌کند و پیامبر آرمانی را آبستن می‌شود بنابراین مهر از دوشیزه‌ای به نام ناهید یا آناهیتا متولد شده است.

مطابق آنچه در افسانه‌ها آمده است در چنین شبی مهر در گردونه درخشان خود که ۴ اسب سفید نامیرا که نعل‌هایشان از زر و سیم است آن را می‌کشند و به پیش می‌رانند. دین مهر بر پایه راستی، مهرورزی، پاکدامنی، فروتنی، تزکیه نفس، احترام به پیمان(حتی با دشمن) و نیز احترام به خورشید(که سردی و تاریکی را از بین می‌برد) قرار دارد. این دین از طریق تجار، اسیران رومی و... به روم و از آنجا به سایر نقاط اروپا راه یافت. یولیانیوس (ژولیان) یکی از پادشاهان روم تاکید زیادی در فراخواندن مردم به این دین داشت. در نتیجه تا چندین سده دین رسمی در آن سرزمین بود و رومیان(و بسیاری از اروپاییان) نیز شب یلدا را جشن می‌گرفتند و آن را آغاز سال می‌دانستند.

شباهت مهر و مسیح

21 دسامبر که چندین سده‌زادروز تولد عیسی(ع) برشمرده شده در اصل میلاد مهر است. دکتر میرجلال‌الدین کزازی در این زمینه می‌گوید: "رومیان سالهای بسیار تولد مهر را جشن می‌گرفتند و آن را آغاز سال می‌دانستند حتی پس از گسترش دین مسیحیت، باز کشیشان نتوانستند از گرفتن این جشن جلوگیری کنند و به ناچار مجبور شدند به دروغ این شب را زادروز تولد عیسی(ع) معرفی کنند تا آن را به بهانه تولد عیسی(ع) جشن بگیرند و نه تولد ایزدمهر، هنگامی که به آیین و مراسم مسیحیان در کریسمس نگاه می‌کنیم بسیاری از نشانه‌های ایرانی این مراسم را درمی‌یابیم. ایرانیان قدیم در شب چله درخت سروی را با دو رشته نوار نقره‌ای و طلایی می‌آراستند.

بعدها مسیحیان درخت کاج را به تقلید از مهرپرستان و ایرانیان تزئین کردند. مهر از دوشیزه باکره‌ای به نام آناهیتا زاده شد که بعدها مسیحیان عیسی(ع) را جایگزین مهر و مریم را جایگزین آناهیتا قرار دادند. یکی دیگر از وام‌گیری‌های مسیحیان از مهرپرستان نیز روز مقدس مسیحی یعنی یکشنبه است. "سان دی" به معنیروز خورشید یا مهر، روز مقدس مهرپرستان بوده است. اما از اواسط سده چهارم میلادی به دلیل اشتباه محاسباتی یا مخالفت با آیین مهری، گاه‌شماری میلادی تغییر پیدا کرد، بدین ترتیب که در سال 355 با ۳۵۶ میلادی در زمان امپراتور کنسانتین(که پیش از مسیحی شدن پیرو کیش مهر بود) به دستور کلیسای روم ۲۵ دسامبر سالروز تولد مسیح و ۶ ژانویه تاریخ غسل تعمید او اعلام شد."

مردم دوران باستان و از جمله اقوام آریایی، از هندوایرانی - هند و اروپایی، دریافتند که کوتاه‌ترین روزها، آخرین روز پاییز و شب اول زمستان است و بلافاصله پس از آنروزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شوند، از همین رو آن را شب زایش خورشید نامیده و آن را آغاز سال قراردادند.

یلدا هنگام پایان برداشت محصول بین کشاورزان ایرانی و زمانی است که زمین با خورشید در زاویه ۲۷۰ درجه قرار می‌گیرد در نتیجه برعکس آغاز تابستان که زاویه زمین با خورشید ۹۰ درجه می‌شود و بلندترین روز سال به وجود می‌آید در این شب طولانی‌ترین شب سال را شاهد خواهیم بود. ایرانیان زمستان را به دو چله بزرگ و کوچک تقسیم می‌کنند، چله بزرگ از اول دی تا ۱۰ بهمن را دربرمی‌گیرد. از ۱۰ بهمن به بعد را نیز چله کوچک می‌دانند. یلدا نخستین شب چله بزرگ و شب آغاز انقلاب زمستانی (انقلاب شتوی) است که پس از آن آفتاب از برج قوس به برج جدی واگذار و روزها کم‌کم بلند می‌شود.

به باور پیشینیان، در پایان این شب دراز تاریکی شکست می‌خورد، روشنایی پیروز و خورشیدزاده می‌شود، از این رو در این شب آتش برمی‌افروختند تا تاریکی و عاملان اهریمن نابود شوند و بگریزند. فردای شب یلدا (اولدی) را خورروز (روز خورشید) و دیگران، می‌خواندند و به استراحت می‌پرداختند و تعطیل عمومی بود. خور روز در ایران باستان روز برابری انسان‌ها بود در این روز همگان از جمله پادشاه لباس ساده می‌پوشیدند تا یکسان به نظر آیند و کسی حق دستور دادن به دیگری نداشت و کارها داوطلبانه انجام می‌گرفته تحت امر. در این روز جنگ و خونریزی حتی کشتن گوسفند و مرغ هم ممنوع بود.

یلدا را جشن خانوادگی دانسته‌اند چون در این شب برای احترام و بزرگداشت سالمندان همه در خانه بزرگ فامیل (معمولا پدر و مادر بزرگ) جمع می‌شوند و ضمن صرف میوه، آجیل و شام به نقل خاطرات آنها، قصه‌های امیدوارکننده و پندآموز و شاهنامه‌خوانی گوش می‌دهند.

### سفره شب یلدا

سفره شب یلدا که "میزد" نامیده می‌شد، جنبه دینی داشت و مقدس بود چون بر سر آن از ایزد خورشید، روشنایی و برکت می‌طلبیدند تا زمستان را به خوشی طی کنند. از میوه‌های این شب می‌توان به هندوانه، انگور، انار، سیب، خیار و... اشاره کرد. مردم اعتقاد داشتند برکت‌خیزی و پردانه بودن این میوه ها، زندگی آنها را نیز برکت‌آور می‌کنند و نیروی بار و یرادر آنها افزایش می‌دهد. همچنین انار و هندوانه با رنگ سرخ شان نمایندگانی از خورشید در شب به‌شمار می‌روند. به اعتقاد پیشینیان هر کس در این شب هندوانه بخورد تا پایان زمستان سرما و بیماری بر او غلبه نخواهد کرد و کرم‌های روده‌اش نیز دفع می‌شود. اگر انگور بخورد تا سال بعد گرم‌زده نشود و با خوردن انار نیز تا تابستان سال بعد از گزند جانوران و نیش عقرب در امان باشد. تمام میوه‌های شب یلدا (به جز سیب و به) باید در این شب خورده شوند و میوه‌هایی را که می‌ماند دیگر نمی‌خورند. از دیگر سنت‌های زیبا و خاطره‌انگیز این شب نیز تقال به حافظ به نیت خیر و شادکامی است.

منابع:

1\_ هاشم رضی، گاهشماری و جشن‌های ایران باستان